



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما الصلوة والسلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

توسل به پیامبر خدا

صلی الله علیه و آله و سلم

و تبرک به آثار ایشان

مرتضی عسگری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

توسل به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و تبرک به آثار ایشان

نویسنده:

مرتضی عسکری

ناشر چاپی:

المجمع العلمی الاسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	توسل به پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و تبرک به آثار ایشان
۷	مشخصات کتاب
۷	توسل به پیامبر و تبرک به آثار او در حیات و ممات
۷	اشاره
۷	تبرک جستن به آثار پیامبر
۷	اشاره
۷	تبرک جستن به آب دهان پیامبر
۸	تبرک جستن به وضوی رسول خدا
۸	تبرک جستن به موی پیامبر
۹	تبرک جستن به لباس پیامبر
۹	تبرک جستن به تیر و پیکان پیامبر
۹	تبرک جستن به جای دست پیامبر
۱۰	توسل به رسول خدا
۱۰	اشاره
۱۰	توسل به رسول خدا قبل از خلقت
۱۱	توسل به پیامبر در حال حیات
۱۱	توسل به پیامبر بعد از وفات
۱۱	توسل به قبر پیامبر
۱۱	توسل به عباس عموی پیامبر
۱۲	توسل به لباس پیامبر برای کاستن از فشار قبر
۱۲	پاورقی
۱۴	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

توسل به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و تبرک به آثار ایشان

مشخصات کتاب

سرشناسه: عسکری مرتضی - ۱۲۹۳
 عنوان و نام پدیدآور: توسل به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و تبرک به آثار ایشان مولف مرتضی عسکری مترجم
 محمدجواد کرمی مشخصات نشر: [تهران: مجمع علمی اسلامی ۱۳۷۸].
 مشخصات ظاهری: ص ۳۲
 فروست: (برگستره کتاب و سنت ۱۳)
 شابک: ۹۶۴-۵۸۴۱-۵۹-۳۱۰۰۰ ریال یادداشت: عنوان اصلی التوسل بالنبی (ص) و التبرک باثاره
 یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع: توسل موضوع: تبرک موضوع: شفاعت موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام ۵۳
 قبل از هجرت - ۱۱ق -- مخلفات شناسه افزوده: کرمی محمدجواد، مترجم شناسه افزوده: مجمع علمی اسلامی رده بندی کنگره:
 BP۲۲۶/۶ع/۵ ۱۳۷۸ ۹۰۴۱
 رده بندی دیویی: ۲۹۷
 شماره کتابشناسی ملی: م ۷۷-۱۵۴۴۳

توسل به پیامبر و تبرک به آثار او در حیات و ممات

اشاره

برخی از مسلمانان در بحث از صفات انبیا(ع) گویند:
 تبرک جستن به آثار انبیا و عبادتگاه گرفتن محل قبر ایشان شرک است. بازسازی و بنای بر قبور آنان در حد شرک است. مجلس
 بزرگداشت تولد ایشان و تولد اولیا معصیت و بدعت حرام است. و در یک کلام، توسل به خدا به وسیله غیر خدا، در حد شرک
 است. و وسیله قرار دادن رسول خدا(ص) پس از وفات آن حضرت، مخالف شرع اسلام است.
 مخالفان این گروه در پاسخ چنین استدلال می کنند که:

تبرک جستن به آثار پیامبر

اشاره

در همه کتب حدیثی با نقل متواتر آمده است که: صحابه رسول خدا(ص) در زمان حیات ایشان با مباشرت و خواسته خود آن
 حضرت به آثار او تبرک می جستند. چنانکه پس از وفات ایشان نیز، این روش را ادامه دادند. برخی از دلایل ایشان چنین است:

تبرک جستن به آب دهان پیامبر

در صحیح بخاری از سهل بن سعد روایت کند [۱] که رسول خدا(ص) در جنگ خیبر فرمود: «فردا این پرچم را به دست کسی
 خواهم داد که خداوند خیبر را به دست او می گشاید، او دوستدار خدا و رسول خداست و خدا و رسول خدا دوستدار اویند.» راوی

گوید: مردم آن شب را به سختی سپری کردند تا بدانند پرچم به دست کدامین آنها داده خواهد شد. بامدادان همگی به نزد رسول خدا(ص) آمدند و هر یک امید آن داشت که پرچم به او داده شود که رسول خدا فرمود: علی کجاست؟ گفته شد: یا رسول الله او از درد چشمانش می نالد. پیامبر به دنبال او فرستاد تا حاضر شد، و دو چشم او را با آب دهان شفا بخشید، به گونه ای که گویا دردی وجود نداشته است...» تا آخر حدیث. [۲].

این روایت در صحیح مسلم از قول سلمه بن اکوع چنین است:
گوید: نزد علی آمدم و او را که دچار درد چشم بود با خود می کشیدم تا نزد رسول خداش آوردم. آن حضرت با آب دهان چشمانش را شفا بخشید و پرچم را به دست او داد. [۳].

تبرک جستن به وضوی رسول خدا

در صحیح بخاری از انس بن مالک روایت کند که گفت:

«وقت نماز عصر فرا رسید و مردم برای وضو به جستجوی آب پرداختند و آن را نیافتند. پیامبر(ص) با ظرف وضو سر رسید و دست خود را در آن نهاد و به مردم فرمود وضو بگیرند. ناگهان دیدم آب از سر انگشتان آن حضرت همچون چشمه می جوشید و مردم تا آخرین نفر از آن وضو گرفتند.» [۴].

و در روایت دیگری از جابر بن عبدالله گوید:

«من با پیامبر(ص) بودم که وقت نماز عصر فرا رسید و ما جز اندکی آب نداشتیم. آن را در ظرفی ریختند و نزد پیامبر(ص) آوردند. ایشان دست خود را در آن فرو بردند و انگشتان خود را باز کردند و فرمودند: وضو گیرندگان بشتابند که خداوند برکت افزایش دهد. ناگهان دیدم آب از میان انگشتان آن حضرت می جوشید تا آنگاه که مردم وضو گرفتند و نوشیدند، و این معجزه چنان در من اثر کرد که دیگر دچار تردید نگشتم و دانستم که این عین برکت است. به جابر گفتم: شما در آن روز چند نفر بودید؟ گفت: یک هزار و چهارصد نفر! و در روایت دیگری، پانصد نفر.» [۵].

تبرک جستن به موی پیامبر

مسلم در صحیح خود روایت می کند که: «رسول خدا(ص) به منی آمد و پس از رمی جمرات و قربانی کردن، سر خود را تراشید و آن را به مردمان داد.»

و در روایت دیگری گوید: «آن حضرت سر تراش را فرا خواند و پس از تراشیدن موها، آنها را به اباطلحه داد. راوی گوید: او نیز آنها را میان مردم تقسیم کرد.» [۶]

و نیز از انس بن مالک روایت کند که گفت:

«رسول خدا(ص) را دیدم که سر می تراشید و صحابه آن حضرت دور او را گرفته بودند تا هر مویی که فرو افتد در دست یکی از آنان قرار گیرد.» [۷].

و در کتاب اسد الغابه در شرح حال خالد بن ولید گوید:

«خالد بن ولید که در نبرد با ایرانیان و رومیان نقش ویژه و برجسته ای داشت به هنگام فتح دمشق در شب کلاهی که با آن می جنگید، تار مویی از رسول خدا(ص) را قرار داده بود که به برکت آن فتح و ظفر می جست و همیشه پیروز بود.»

همچنین در شرح حال او در اصابه و مستدرک حاکم گویند:

«خالد بن ولید در نبرد یرموک شب کلاه خویش را گم کرد و دستور داد آن را بجویند. ابتدا آن را نیافتند، ولی دوباره جستجو

کردند و آن را یافتند و دیدند شب کلاهی کهنه و مندرس است. خالد گفت: رسول خدا(ص) در سالی عمره به جای آورد و سر تراشید. مردمان به جمع آوری موهای آن حضرت پرداختند و من در گرفتن موی پیشانی بر آنان سبقت گرفتم و آن را در این شب کلاه نهادم و اکنون در هیچ نبردی حاضر نمی شوم که این شب کلاه با من باشد مگر آنکه پیروزی نصیب من می گردد.» [۸].

و در صحیح بخاری روایت کند که: «تارهایی از موی پیامبر(ص) نزد ام سلمه زوجه رسول خدا(ص) بود که هرگاه کسی را چشم زخمی می رسید ظرف آبی خدمت ایشان می فرستاد تا آن موها را در آن فرو کند و آسیب دیده را شفا بخشد.» [۹].

عبیده گوید: «اگر یک تار موی پیامبر نزد من باشد از همه دنیا و هرچه در آن است نزد من محبوبتر است.» [۱۰].

تبرک جستن به لباس پیامبر

عبدالله خادم اسماء دختر ابوبکر گوید: «بانوی من اسماء جبه و روپوش بلندی با نشانهای سبز به من نشان داد و گفت: این جبه را رسول خدا(ص) می پوشید و ما آن را می شویم و از آن شفا می گیریم.» [۱۱].

و در صحیح مسلم گوید: «این جبه رسول خدا(ص) است. سپس جبه ای بلند و خسروانه بیرون آورد که جادکمه ها و چاکهای آن از حریر و دیباج بود و گفت: این جبه نزد عایشه بود تا از دنیا رفت و پس از او به من رسید. پیامبر آن را می پوشید و ما آن را می شویم تا بیماران به وسیله آن بهبود یابند.» [۱۲].

تبرک جستن به تیر و پیکان پیامبر

بخاری درباره صلح حدیبیه روایت کرده و گوید:

«رسول خدا(ص) با سپاهیان خود در انتهای حدیبیه بر سر چاهی کم آب فرود آمدند مردم به سوی آن شتافتند و با سرعت آب آن را کشیدند و اندکی بعد از تشنگی به رسول خدا شکوه کردند. پیامبر(ص) تیری از تیردان خود بیرون کشید و فرمود تا آن را در درون چاه قرار دهند. پس به خدا سوگند پیوسته جوشید و آنان را سیراب کرد تا از آنجا کوچ کردند.» [۱۳].

تبرک جستن به جای دست پیامبر

در کتاب اصابه و مسند احمد در شرح حال حنظله روایتی است که فشرده آن چنین است:

حنظله گوید: «جد من مرا خدمت پیامبر(ص) برد و گفت: من پسرانی بزرگ و کوچک دارم که این کوچکترین آنهاست. برای او دعا بفرمایید. پیامبر(ص) دستی بر سر او کشید و فرمود: «خداوند سعادتت افزایش دهد. یا: او سعادتمند است.» راوی گوید: با چشم خود دیدم که بیماران صورت باد کرده یا حیوانات پستان ورم کرده را نزد حنظله می آوردند و او بر دست خود آب دهان می زد و با «بسم الله» آن را بر سر خود می کشید و می گفت: این جای دست رسول خدا(ص) است. سپس محل ورم کرده را مسح می کرد و به گفته راوی، ورم برطرف می شد.» [۱۴].

و در عبارت اصابه آمده است:

«حنظله بسم الله می گفت و دستش را بر سر خود، که جای دست رسول خدا بود، می نهاد و آن را مسح می کرد و سپس بر محل ورم کرده می کشید و آماس آن برطرف می شد.»

باری، برکت و فرخندگی همچون نور خورشید و عطر شکوفه از رسول خدا(ص) به اطراف او پراکنده می شد؛ و در کودکی و بزرگی، در سفر و حضر، در شب و روز، هیچ گاه از آن حضرت جدا نگردید. چه آنگاه که در خیمه حلیمه سعدیه مادر رضاعی خود بود، و چه در سفر شام برای تجارت، یا در خیمه ام معبد در حال هجرت، یا در مدینه در کسوت قیادت و رهبری و حکومت. و

بدیهی است که آنچه را ما در اینجا آوردیم نمونه ای از انواع است و ما هرگز در صدد آمار و احصاء نبوده ایم. زیرا، احصای همه در توان هیچ پژوهشگری نگنجد. و آنچه بیان شد برای دارندگان قلب سلیم و گوش شنوا و دل آگاه بسنده باشد. در بخش بعد موضوع شفاعت خواهی و وسیله قرار دادن پیامبر(ص) به درگاه خدای متعال را بررسی کرده و سپس - به یاری خدا - به منشأ اختلاف درباره ویژگیها و امتیازات رسول خدا(ص) بر سایر مردمان می پردازیم.

توسل به رسول خدا

اشاره

معتقدان به جواز و مشروعیت توسل به رسول الله(ص) و وسیله قرار دادن آن حضرت به درگاه خداوند متعال در همه دورانها، می گویند: اینگونه توسل پیش از خلقت رسول خدا و در زمان حیات و بعد از وفات آن حضرت با رضای الهی انجام گرفته است و همچنان تا روز قیامت نیز، به دلایل زیر، ادامه می یابد:

توسل به رسول خدا قبل از خلقت

گروهی از روایان حدیث از جمله حاکم نیشابوری در کتاب مستدرک خود از قول عمر بن خطاب روایت کنند که، «آدم(ع) هنگامی که دچار آن لغزش گردید، عرض کرد: پروردگارا! از تو می خواهم که به حق محمد و آل محمد مرا ببخشی. خداوند سبحان فرمود: ای آدم! تو محمد را چگونه شناختی در حالی که من هنوز او را نیافریده ام؟ عرض کرد: پروردگارا! هنگامی که مرا به دست قدرت خود آفریدی، و از روح خود در من دمیدی، سر که برداشتم دیدم بر ستونهای عرش نوشته شده: لا اله الا الله محمد رسول الله. پس دانستم که تو نام کسی جز محبوب ترین آفریده ات را کنار نام خود قرار نمی دهی.

خداوند فرمود: راست گفתי ای آدم! او محبوب ترین آفریده های من است. مرا به حق او بخوان که تو را ببخشیدم. و اگر محمد نبود تو را نمی آفریدم.»

این حدیث را طبرانی نیز در کتاب خود آورده و بر آن افزوده: «و او آخرین پیامبر نسل توست.» [۱۵].

و در تفسیر این آیه شریفه:

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَ كَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَهُ اللَّهُ عَلَى الْكَافِرِينَ؛ [۱۶].

و هنگامی که از سوی خدا کتابی به سویشان آمد که تصدیق کننده کتاب آنان است، و آنها خود پیش از این - به نام آورنده آن - بر کفار پیروزی می جستند. حال که همان شناسای ایشان به سویشان آمده به آن کافر شدند. پس لعنت خدا بر کافران باد.

محدثان و مفسران در تفسیر این آیه روایت کرده اند که: یهود مدینه و خبیر پیش از بعثت هرگاه با همسایگان عرب و مشرک خود از قبیله اوس و خزرج و غیر ایشان، می جنگیدند، به نام رسول خدا(ص) که در تورات یافته بودند بر آنان پیروزی می جستند و پیروز می شدند و علیه کفار دعا می کردند و می گفتند: «پروردگارا! به حق نبی امی از تو می خواهیم که ما را بر آنها پیروز گردانی.» یا می گفتند: «پروردگارا! به نام نبی خودت ما را بر آنها پیروز گردان.» [۱۷].

اما هنگامی که کتاب خداوندی، قرآن کریم و تصدیق کننده تورات و انجیل به وسیله کسی که او را به خوبی و بی تردید می شناختند، یعنی محمد، به سویشان آمد، بدان کافر شدند، زیرا او از بنی اسرائیل نبود. [۱۸].

توسل به پیامبر در حال حیات

احمد بن حنبل، ترمذی، ابن ماجه و بیهقی از عثمان بن حنیف روایت کنند که: مردی نابینا خدمت رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد: از خدا بخواه مرا بهبود بخشد. پیامبر (ص) به او فرمود: «اگر خواستی دعا می کنم و اگر بخواهی صبر می کنی که برای تو بهتر است.» عرض کرد: دعا بفرمایید. پیامبر به او فرمود: «وضو بگیر، وضوی نیکو و این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكَ إِلَى رَبِّي فِي حَاجَتِي لِتُقْضَى لِي. اللَّهُمَّ شَفِّعْهُ فِي.

پروردگارا! من به وسیله پیامبرت محمد پیامبر رحمت، به سوی تو می آیم و از تو درخواست می کنم. ای محمد! من برای درخواست حاجتم از خداوند نزد تو آمدم و تو را وسیله قرار دادم تا خواسته ام برآورده گردد. خداوند! او را شفیع و وسیله من قرار ده.» [۱۹].

این روایت را بیهقی و ترمذی صحیح السند دانسته اند.

توسل به پیامبر بعد از وفات

طبرانی در معجم الکبیر از عثمان بن حنیف روایت کند که:

«مردی برای نیاز خویش نزد عثمان بن عفان آمد و شد می کرد ولی عثمان به او و خواسته او توجهی نشان نمی داد. آن مرد ابن حنیف را دید و از وضع موجود شکوه کرد. عثمان بن حنیف به او گفت: به وضو برو وضو بگیر. سپس به مسجد درآی و دو رکعت نماز بگزار و بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ لِي رَبِّي لِتُقْضَى حَاجَتِي.» و تذکر حاجتک.

«پروردگارا! من به وسیله پیامبرمان محمد پیامبر رحمت، به سوی تو می آیم و از تو درخواست می کنم. ای محمد! من برای رفتن به سوی خدا نزد تو آمدم و تو را وسیله قرار دادم تا حاجتم برآورده گردد.» سپس خواسته ات را یادآور می شوی.

آن مرد رفت و آنچه به او گفته بود انجام داد. سپس به در خانه عثمان بن عفان آمد که ناگهان دربان خانه نزد او آمد و دستش را گرفت و وارد مجلس عثمان کرد. او نیز وی را روی زیرانداز کنار خود نشانید و گفت: خواسته ات چیست؟ او خواسته اش را بیان کرد و وی آن را برآورده ساخت. سپس به او گفت: تو تا این ساعت نیازت را یادآور نشده بودی. و گفت: هر نیاز و حاجت دیگری که داری بیان کن.» [۲۰].

توسل به قبر پیامبر

در سنن دارمی و وفاء الوفاء سمهودی از اوس بن عبدالله روایت کنند که گفت:

«مردم مدینه دچار قحطی شدید شدند و به عایشه شکوه کردند. عایشه گفت: به سوی قبر پیامبر (ص) بروید و دریچه ای از آن به سوی آسمان باز کنید تا میان قبر و آسمان سقفی نباشد.

راوی گوید: چنین کردند. پس از آن، چنان بارانی بر ما بارید که گیاهان رویدند و شتران فربه شدند.» [۲۱].

توسل به عباس عموی پیامبر

در صحیح بخاری است که:

عمر بن خطاب هرگاه قحطی می شد عباس بن عبدالمطلب را شفیع و وسیله قرار می داد و می گفت:

اللَّهُمَّ إِنَّا كُنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّنَا فَتَسْقِينَا وَإِنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِعَمِّ نَبِيِّنَا فَاسْقِنَا. قال: فيسقون.

پروردگارا! ما در گذشته با توسل به پیامبرمان به سوی تو می آمدیم و تو بارانمان می دادی و سیرابمان می کردی. و اکنون با توسل به عموی پیامبرمان به سوی تو می آییم. پس، بارانمان ده و سیرابمان کن.
راوی گوید: پس از آن باران می بارید و سیراب می شدند. [۲۲].

توسل به لباس پیامبر برای کاستن از فشار قبر

در کنز العمال، استیعاب، اسدالغابه و اصابه در شرح حال فاطمه بنت اسد از ابن عباس روایت کنند که گفت: «هنگامی که فاطمه بنت اسد مادر امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب (ع) وفات کرد، رسول خدا (ص) پیراهن خود را بر او پوشانید و در قبر وی در کنار او خوابید.»

حاضران با تعجب گفتند: آنچه را که با این جنازه انجام دادی، تا به حال از شما ندیده بودیم! فرمود: «این برای آن است که هیچ کس - بعد از ابی طالب نسبت به من نیکو کارتر از او نبوده است. من پیراهن خود را بر او پوشاندم تا او از جامه های بهشتی پوشد، و در قبر با او خوابیدم تا از فشار قبر در امان باشد.» [۲۳].

و در طبقات ابن سعد از سهل بن سعد روایت کند که گفت: «زنی با عبایی بافته شده حاشیه دار خدمت رسول خدا (ص) رسید و گفت: یا رسول الله! من این عبا را با دست خود بافته و آن را آورده ام که بر شما بپوشانم. راوی گوید: رسول خدا (ص) که بدان نیاز داشت، آن را پذیرفت و پوشش خود قرار داد و روزی که یاظظلس ذآن در جمع ما آمده بود، فلان بن فلان آن را برانداز کرد و گفت: یا رسول الله! این عبا چقدر نیکوست! آن را بر من بپوشان! فرمود: باشد. پس، تا آنجا که خدا خواست در آن مجلس نشست و سپس مراجعت فرمود و چون به منزل رسید، آن را پیچید و نزد او فرستاد. مردم به او گفتند: کار خوبی نکردی، رسول خدا (ص) چون به آن نیاز داشت آن را پذیرفت و تو که می دانستی پیامبر هیچ سائلی را رد نمی کند آن را از او درخواست کردی! آن مرد گفت: به خدا سوگند، آن را برای پوشیدن بر خود نخواستم، بلکه او را از پیامبر (ص) درخواست کردم تا کفن روز مرگم باشد. سهل گوید: آن عبا روز مرگ کفن او بود.» [۲۴].

باورقی

[۱] صحیح بخاری، کتاب المغازی، باب غزوه خیبر، ج ۳، ص ۳۵، و کتاب الجهاد و السیر، ج ۲، ص ۱۰۹، باب ۱۰۲، و باب ما قیل فی لواء النبی، ج ۲، ص ۱۱۱، و باب فضل من اسلم علی یدیه رجل، ج ۲، ص ۱۱۵، و کتاب فضائل اصحاب النبی، باب مناقب علی بن ابی طالب، ج ۲، ص ۱۹۹؛ صحیح مسلم، کتاب فضائل الصحابه، باب من فضائل علی بن ابی طالب (رض)، حدیث ۳۲ و ۳۴، و باب غزوه ذی قرد و غیرها، حدیث ۱۳۲؛ سنن ترمذی، کتاب المناقب، باب مناقب علی بن ابی طالب، ج ۱۳، ص ۱۷۲.

[۲] صحیح بخاری، باب دعاء النبی الی الاسلام، ج ۲، ص ۱۰۷.

[۳] صحیح مسلم، کتاب الجهاد و السیر، حدیث ۱۳۲.

[۴] صحیح بخاری، کتاب الوضوء، باب التماس الوضوء اذا كانت الصلاه، ج ۱، ص ۳۱.

[۵] صحیح بخاری، کتاب الأشربه، باب شرب البرکه و الماء المبارک، ج ۳، ص ۲۱۹؛ سنن نسائی کتاب الطهاره، باب الوضوء من الاناء، ج ۱، ص ۲۵؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۴۰۲؛ سنن دارمی، از قول عبدالله بن عمر، باب ما اکرم الله النبی من تفجر الماء من بین اصابعه، ج ۱، ص ۱۵.

[۶] صحیح مسلم، کتاب الحج، باب بیان ان السنه يوم النحران یرمی ثم ینحر ثم یحلق، حدیث ۳۲۳ و ۳۲۶؛ سنن ابوداود، کتاب المناسک، باب الحلق و التقصیر، حدیث ۱۹۸۱؛ طبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۱۳۵؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۱۱۱، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۴۶، ۲۰۸، ۲۱۴، ۲۳۹، ۲۵۶، ۲۸۷ و ج ۴، ص ۴۲؛ مغازی واقدی، ص ۴۲۹.

[۷] صحیح مسلم، کتاب الفضائل، باب قرب النبی من الناس و تبرکهم به، حدیث ۷۴، ص ۱۸۱۲.

[۸] مستدرک حاکم، کتاب معرفه الصحابه، باب مناقب خالد بن الولید، ج ۳، ص ۲۹۹. فشرده این روایت در منتخب کنز العمال، در حاشیه مسند احمد، ج ۵، ص ۱۷۸ و تاریخ ابن کثیر، ج ۷، ص ۱۱۳ نیز آمده است.

[۹] صحیح بخاری، کتاب اللباس، باب ما یدکر فی الشیب، ج ۴، ص ۲۷، که ما فشرده آن را آوریم.

[۱۰] طبقات ابن سعد، ج ۶، ص ۶۳؛ صحیح بخاری، کتاب الوضوء، باب الماء الذی یغسل به شعر الانسان، ج ۱، ص ۳۱.

[۱۱] مسند احمد، ج ۶، ص ۳۴۸؛ طبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۲۲، باب ذکر لباس النبی؛ تاریخ الاسلام ذهبی (السیره النبویه)، ص ۵۰۳؛ السیره النبویه و الآثار المحمدیه، چاپ دوم، بیروت، دارالمعرفه، ج ۲، ص ۲۲۵.

[۱۲] صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۶۱، کتاب اللباس و الزینه، باب تحریم استعمال اناء الذهب و الفضة، حدیث ۲۰۶۹.

[۱۳] صحیح بخاری، کتاب الشروط، باب الشروط فی الجهاد و المصلحه مع اهل الحرب، ج ۲، ص ۸۱ و کتاب المغازی، باب غزوه الحدیبه؛ طبقات ابن سعد، ج ۳، ص ۲۹. و ج ۱، قسمت اول، ص ۱۱۸؛ مغازی واقدی، ص ۲۴۷.

[۱۴] مسند احمد، ج ۵، ص ۶۸. مشروح آن در شرح حال حنظله بن حذیم بن حنیفه در اصابه آمده است.

[۱۵] مستدرک حاکم، ج ۲، ص ۶۱۵؛ مجمع الزوائد، ج ۸، ص ۲۵۳؛ تحقیق النصره، مراغی (ت ۸۱۶ هجری) ص ۱۱۳ - ۱۱۴، به نقل از طبرانی.

[۱۶] سوره بقره، آیه ۸۹.

[۱۷] از این روایات چنین ظاهر می شود که آنها با امثال اینگونه دعاها خداوند جلیل را می خواندند؛ دعاهایی که در بردارنده توسل به رسول خداست.

[۱۸] این روایات از حیث مضمون متواتر است و در کتابهای زیر آمده است:

دلایل النبوه، بیهقی، ص ۳۴۳ - ۳۴۵. تفسیر طبری در تفسیر آیه؛ تفسیر نیشابوری در حاشیه تفسیر طبری، ج ۱، ص ۳۳۳؛ مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۲۶۳؛ تفسیر سیوطی به نقل از دلایل النبوه ابونعیم، تفسیر محمد بن عبد حمید؛ تفسیر عبدالرحمان بن ابی حاتم بن ادریس رازی؛ تفسیر محمد بن ابراهیم بن المنذر نیشابوری (ت ۳۱۸ هجری).

[۱۹] مسند احمد، ج ۴، ص ۱۳۸؛ سنن ترمذی، کتاب الدعوات، ج ۱۳، ص ۸۰ - ۸۱؛ سنن ابن ماجه، کتاب اقامه الصلاه و السنه فیها، باب ما جاء فی صلاه الحاجه، حدیث ۱۳۸۵، ص ۴۴۱. ابن اثیر با سند خود در شرح حال عثمان بن حنیف در اسدالغابه، بیهقی بنابر نقل صاحب کتاب تحقیق النصره از او و تحقیق النصره، ص ۱۱۴. ما عبارت احمد بن حنبل، امام حنابله، را از آن رو آوریم که منکران شفاعت از پیروان ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب پیروان احمد بن حنبل اند.

[۲۰] تحقیق النصره، ص ۱۴ و ۱۱۵، به نقل از معجم کبیر طبرانی.

[۲۱] سنن دارمی، ج ۱، ص ۴۴-۴۳؛ وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۵۴۹.

[۲۲] صحیح بخاری، کتاب الاستسقاء، باب سؤال الناس الامام الاستسقاء اذا قحطوا و کتاب فضائل اصحاب النبی، باب مناقب عباس بن عبدالمطلب، ج ۲، ص ۲۰۰ و ج ۱، ص ۱۲۴؛ سنن بیهقی، کتاب صلاه الاستسقاء، باب الاستسقاء بمن ترجی برکه دعائه، ج ۳، ص ۳۵۲.

[۲۳] کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۴۷، حدیث ۳۴۴۲۴؛ اصابه، ج ۸، ص ۱۶۰؛ اسدالغابه، ج ۵، ص ۵۱۷؛ استیعاب در حاشیه اصابه، ج ۴،

ص ۳۲۸، چاپ مصر ۱۳۲۸ هجری؛ صفوه الصفوه، ج ۲، ص ۵۴، در شرح حال فاطمه بنت اسد؛ ذخائر العقبی، ص ۵۵ و ۵۶؛ فصول المهمه، ابن صباغ مالکی، ص ۳۱ و ۳۲؛ وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۹۷ و ۸۹۸؛ و ینایع الموده. [۲۴] طبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۲۲۲، باب ذکر لباس الرسول.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید / حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR
 ۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بپدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

